



مقدمه

ذهن کنج‌کاو کودک، تولیدکننده بزرگی می‌باشد که از راه پرسیدن درباره‌ی خداوند، وضعیت زندگی او، تفاوت‌هایش با ما، رفتار او با دوستان خود و دیگر جنبه‌ها، درصد کشف این گوهر ارزشمند فطری خویش است. ذهن پرسشگر کودک، در زمان‌های مختلف و گاهی به مناسبت بروز هر رخداد، ممکن است فعال شود و از شما درباره‌ی خداوند بپرسد. کودک در زمان حال زندگی می‌کند و از این نظر ممکن است گاهی پرسشی که در ذهن دارد، بی‌توجه به شرایط شما مطرح کند که لازم است برخوردی مناسب و تشویق‌کننده با پرسش‌های او درباره‌ی مهم‌ترین رکن هستی، یعنی خداوند، داشته باشید. داشتن آمادگی برای پاسخ‌گویی، شما را مجهز می‌نماید و از اضطراب برخی از پرسش‌های دشوار مصون می‌دارد. از این رو، در این بخش به برخی پرسش‌های رایج کودک و پاسخ‌های درست آن اشاره می‌کنیم:

۱. خدا کیست؟

در پاسخ درست به پرسش درباره‌ی وجود پاک خداوند و انتقال مفاهیم مورد نیاز به کودکان، توجه به چند نکته، ضروری و راه‌گشاست: والدین در بیش‌تر موارد برای توضیح دادن مفهوم خدا، از لغاتی مانند جاودان، مقدس، ازلی و ابدی، ماوراءالطبیعی، قادر مطلق و... استفاده می‌کنند که برای فرزندشان نامفهوم است. برای این‌که به پرسش فرزندتان درباره‌ی خدا پاسخ دهید، اصل ساده‌ی زیر را رعایت کنید:

پاسخی به فرزندتان بدهید که با نیازهای کنونی فرزندتان ارتباط داشته باشد. برای این کار باید به دو نکته توجه کنید:

الف. سطح درک فرزندان در چه حدی است؟

بررسی پرسش‌های زیر به تحقق این موضوع کمک می‌کند:

• او چه لغاتی را درک می‌کند؟

افراد بالغ می‌توانند از لغاتی مانند ازلی و ابدی، نامحدود و غیرقابل درک، مقدس و عادل استفاده کنند، ولی برای کودکان زیر شش سال باید از لغاتی مانند برای همیشه، بزرگ، قوی و خوب استفاده شود. کودکان بیش از شش سال می‌توانند لغاتی چون همیشه، همه‌جا، مافوق، قدرتمند و کامل را درک کنند.

• خدا را باید با چه چیزهایی مقایسه کرد تا برای فرزندان قابل فهم باشد.

به فرزند خود بگویید: «قوی‌ترین کسی که می‌شناسی، کیست؟ خدا از او هم قوی‌تر است»، «خدا بیش از پدر و مادرت مراقب توست»، «وقتی خوش‌رفتاری تو را با کودک فلج دیدم، به یاد خدا افتادم» و «وقتی پرنده‌ها آواز می‌خوانند، به ما می‌گویند که خدا مراقب آنهاست».

• فرزند شما، تاکنون، چه تصویری از خدا به دست آورده است تا شما توضیحات بعدی خود را براساس آن استوار کنید؟

گرچه خدا از هر تصویری بالاتر است، ولی همه‌ی ما صرف نظر از سن، دانش و تجربه‌ی شخصی، خدا را براساس تصور خود از او می‌شناسیم. برای این‌که بتوانید به پرسش «خدا کیست؟» فرزندان پاسخ دهید، ابتدا از او بپرسید: «نظر خودت چیست؟» با این کار به اطلاعات او دست یافته و برای پرسش‌کننده احترام و ارزش قائل شده‌اید که حس مثبتی در او ایجاد می‌کند.

ب. فرزند شما چه نیاز ویژه‌ای دارد؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از خود بپرسید: آیا در وجود خدا شک کرده است؟ آیا می‌خواهد مطمئن شود همیشه کسی هست که از او مواظبت کند؟ آیا می‌خواهد خوبی و خیر را بشناسد تا راهنمایی در انتخاب داشته باشد؟ آیا می‌خواهد منشأ الهامات خود را در خدا جست‌وجو کند؟

بررسی این پرسش‌ها به شما کمک می‌کند پاسخی متناسب با سطح درک فرزندان بر زبان آورید و نیاز او را برآورده سازد. در پاسخ‌دهی به پرسش فرزندان می‌توانید از باورهایی استفاده کنید که ادیان مختلف درباره آنها اتفاق نظر دارند. این باورها عبارت‌اند از: «خدا غایت هر چیزی است. هیچ چیزی بزرگتر از او نیست قرن‌هاست که مردم زندگی خود را فدای اعتقاد به خداوند می‌کنند، زیرا او برای آنها مهم‌تر از زندگی می‌باشد. به فرزند خود بگویید که خدا بزرگ‌ترین و بهترین چیزی است که در عالم وجود دارد. خدا پاسخ تمام پرسش‌های ما را می‌داند. خدا سرچشمه‌ی امید است. در مواقعی که احساس می‌کنیم شکست خورده‌ایم یا راه‌حلی برای مشکل‌مان وجود ندارد، توکل به خدا باعث می‌شود راهی برای خروج از مشکلات بیابیم. خدا به ما کمک می‌کند بر مشکلاتمان پیروز شویم. خدا با هر چیزی که تصور می‌کنی، تفاوت دارد. خدا بزرگ‌تر از تصور ماست. ما فقط می‌توانیم قدری صفات او را درک کنیم و هر چه بیش‌تر جست‌وجو نماییم، به درک بهتری از او دست خواهیم یافت». توجه داشته باشید که نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به خدا، اشتباه است.

۲. خدا کجاست؟

کودکان احساس خاصی درباره‌ی «خانه» دارند. از نظر آنها خانه محلی برای سکونت، استراحت و بودن در کنار اعضای خانواده است و نوعی احساس آرامش و امنیت در آنان ایجاد می‌کند. کودکان خانه را محل سکونت خود می‌دانند، این تصور را به تمامی پدیده‌ها تعمیم می‌دهند و برای هر چیزی مکانی ویژه قائل می‌شوند. این تصور درباره‌ی

خدا هم مطرح می‌شود. گاهی اوقات، مسجد خانه‌ی خدا تلقی می‌شود و گاهی آسمان یا بهشت را محل سکونت خدا می‌دانند.

امکان دارد فرزندان بخواد خدا را براساس نیازهای کنونی خود، در مکان و جایگاهی ویژه تصور کند. دامنه‌ی این نیازها اگرچه بسیار گسترده است، ولی می‌تواند شامل یکی از موارد زیر باشد:

- اگر او درباره‌ی ارتباط خدا با خودش می‌اندیشد، به او بگویید: «خدا نزدیک و در کنار ماست. او ما را می‌بیند، سخنان ما را می‌شنود و به وسیله‌ی تمام چیزهای اطرافمان، با ما ارتباط برقرار می‌کند».

- اگر او درباره‌ی جایگاه خدا در عالم هستی فکر می‌کند، به او بگویید: «خدا همه جا حاضر است. او حضور دارد، ولی در عین حال، در سراسر جهان و حتی در ستارگان دور دست نیز حاضر است».

- اگر او درباره منشأ خوبی‌ها و شادی‌ها می‌اندیشد، می‌توانید به او بگویید: «خدا منشأ خوبی‌ها در بهشت است و بهشت، جایگاه خداوند می‌باشد».

- اگر دغدغه‌ی فکری او این است که آیا خدا از ناراحتی‌ها، ترس و عصبانیت او آگاه است یا نه، به او بگویید: «خدا از مشکلات تو آگاه است و در برطرف کردن آنها به تو کمک می‌کند».

- اگر او حضور خدا را در مکانی مقدس یا لحظه‌ای خاص احساس می‌کند، به او بگویید: «خدا، بی‌شک، آن جا حضور دارد».

- اگر اشتیاق دارد که روزی خدا را ببیند، به او بگویید: «همه‌ی ما از خداییم و همه به سوی او باز خواهیم گشت».

در پاسخ به پرسش «خدا کجاست؟» - با هر انگیزه‌ای که باشد - باید بگوییم که خدا در همه جا حضور دارد. حالا در کجا می‌توانی خدا را ببینی و آیا قادر هستی او را به مکانی خاص محدود کنی و در آن محدوده ببینی؛ بی‌تردید، نه.

۳. آیا خدا می‌تواند مرا ببیند و سخنانم را بشنود؟

درک حضور خدا در ارتباط با و مشکلات شخصی او، برای وی مهم است. چند عامل ممکن است ذهن کودک را به چنین پرسش‌هایی هدایت کند:

- تحرک کودک ممکن است او را به این فکر وادارد که آیا خدا می‌تواند او را دنبال کند و حتی بگیرد؟

- کودک ممکن است آگاهی بیش‌تری درباره‌ی بزرگی و عظمت جهان به دست آورد و به راحتی نپذیرد که خدا می‌تواند همه‌ی این جهان پهناور را پر کند.

- کودکی که برای نخستین بار وارد مکانی تازه مانند مدرسه می‌شود، احساس تنهایی می‌کند. در این شرایط اضطراب‌آور از خود می‌پرسد: «آیا من تنها هستم؟»

کودک ممکن است مرتکب عمل خطایی شده باشد و از خود بپرسد: «آیا خدا مرا دیده است؟» احساس حضور خداوند باعث تقویت وجدان کودکان می‌شود، تا حدی که حتی در نبود والدین به آنها احترام بگذارند و به تصمیم‌هایی که می‌گیرند، بیانده‌شانند. از سوی دیگر، این احساس ممکن است باعث شود که کودک همیشه خود را تحت نظارت بداند و از این بابت مضطرب و نگران شود. البته هر یک از این احساسات، بستگی به احساسی دارد که کودکان از حضور والدین خود و چگونگی برخورد آنان با اشتباه کودکانشان دارد. در هر صورت، به کودک خود بگویید که خداوند می‌تواند ما را ببیند و سخنان ما را بشنود.

۴. خدا از کجا آمده است؟

پاسخ رایج به این پرسش عبارت است از: «هیچ کسی خدا را خلق نکرده است. خدا همیشه وجود داشته است و زمانی پیش از خدا وجود ندارد. خدا قدیمی‌تر از هر چیزی است، ولی هیچ‌گاه پیر نمی‌شود و همیشه زنده است». تجارب

کودکان نشان می‌دهد که هر چیزی آغاز و پایانی دارد، به همین دلیل، درک وجود خدایی که پیش از آغاز وجود داشته و پس از پایان نیز وجود خواهد داشت، برایشان مشکل است. بهترین راه فائق آمدن بر این مشکل و رهایی از دام زنجیره‌ی پرسش‌های بی‌پایان درباره‌ی چگونگی جاودانگی خداوند، این است که بی‌نهایت بودن خدا را امری ایمانی و اعتقادی معرفی کنید، نه پدیده‌ای عقلی یا تجربی. ما جاودانگی خدا را می‌پذیریم، زیرا تمام کتب آسمانی، پیامبران، سنت‌ها، آموزگاران و مربیان ما به آن معترف‌اند. اگر فرزندان قانع نشد، ناچارید به او بگویید که بیش‌تر از این نمی‌دانید، ولی مطمئنم که خدا همیشه بوده است و باقی خواهد ماند.

۵. چه کسی در جهان از همه قوی‌تر است؟

در عصر کنونی، شکل‌های ایمان با دوران‌های گذشته بسیار فرق دارد، ولی این اعتقاد هنوز دیده و شنیده می‌شود که ارتباط با خدا، به معنای ارتباط با منبع و منشأ تمامی قدرت‌هاست. به همین دلیل، بسیاری از مردم هر صبح دعا می‌کنند که خدا آنها را در شبانه‌روز حفظ کند. آنان برای بیماران، انسان‌های گرفتار و کسانی که در خطرند نیز دعا می‌نمایند. آنها خدا را عبادت می‌کنند تا در غلبه بر مشکلات یا آغاز کار جدید، به آنها کمک نماید. آن‌گاه خدا را شکر می‌گویند، زیرا به آنان نیروی لازم برای رسیدن به هدفشان عطا کرده است.

بسیاری از مردم، جلوه‌ی قدرت خدا را تنها در معجزه‌های او می‌بینند و قدرت پیامبران و پیشوایان رهایی‌بخش را ناشی از ارتباط آنان با خدا می‌دانند. اگر چه معجزه‌ها، بسیار شگفت‌انگیزند، ولی تنها نشانه‌ی قدرت خدا به شمار نمی‌آیند. خداوند قدرت خود را بیش‌تر در رویدادهایی به ظاهر عادی، به نمایش می‌گذارد؛ تولد کودک، ایجاد انرژی، شکفتن غنچه‌های بهاری و میوه‌های متنوع، نشانه‌هایی از قدرت و خلاقیت خداوند هستند.

هنگامی که فرزند شما از خانه بیرون می‌رود، دیگر تحت کنترل و مراقبت شما نیست و نمی‌دانید با چه خطراتی روبرو شده است و در معرض چه پرسش‌های و مشکلاتی قرار خواهد گرفت. شما در تمام لحظاتی که او نیازمند تصمیم‌گیری است، حضور ندارید و نمی‌توانید او را به طور مستقیم در قبول یا پذیرش موقعیت‌ها یاری کنید. شناساندن خدای قادر و قدرتمند به فرزندان، به او شجاعت و احساس امنیت می‌دهد. او با اعتقاد به وجود چنین حامی نیرومندی، همیشه، خدا را حاضر و نزدیک خود خواهد دید و خداوند نیز او را در زندگی‌اش به سوی کامیابی رهنمون خواهد بود. در پاسخ به این پرسش، به کودک خود بگویید که خداوند از همه قوی‌تر است و دوست دارد که همه‌ی آدم‌های قوی، از قدرت خود که خداوند به آنها داده است، در کارهای خوب استفاده کنند.

۶. چرا خدا کاری نمی‌کند؟

در مواقعی که دعاها و خواسته‌های انسان به رغم اصرار زیاد اجابت نمی‌شود (مانند شفای مادر)، قدرت و توانایی خدا مورد سؤال قرار می‌گیرد. رویارویی با چنین موقعیت‌هایی به خردمندی و صبر نیاز دارد، به ویژه مواقعی که والدین نیز شریک مصیبت وارده به کودکان هستند. هنگامی که دچار مصیبت و فشارهای طاقت‌فرسا می‌شوید، از صداقت و خوش بینی خود کمک بگیرید.

الف) برخورد صادقانه با مصایب

- فرزندان را تشویق کنید تا احساسات خود را برای شما بگوید.
- به فرزندان بیاموزید که راه‌های دیگری نیز برای ابراز احساسات وجود دارد. از فرزندان بخواهید با نقاشی، احساسات خود را درباره‌ی این که خدا کجاست و چه می‌کند، بیان دارد. اگر نقاشی او با باورهای شما تعارض داشت، واکنشی نشان ندهید. با گذشت زمان می‌توانید تصویر ذهنی او را به تدریج اصلاح کنید.

• برخی اوقات، زندگی معنوی به سفری تشبیه می‌شود که انتهایی ندارد. ما والدین نیز نمی‌توانیم به تمام پرسش‌ها و معضلات زندگی پاسخ دهیم. پس به فرزند خود نشان دهید که شما نیز به رغم پایبندی به ایمان و باورهای خود، پرسش‌هایی دارید که نتوانسته‌اید جواب دقیق آنها را بیابید و یا هنوز زمان پاسخ دادن به آنها نرسیده است. بدین طریق به او بیاموزید که پرسیدن، نادرست نیست و پاسخ دادن به برخی پرسش‌ها به زمانی طولانی‌تری نیاز دارد و نباید مأیوس شد.

ب) برخورد خوش‌بینانه با مصایب

از زاویه‌ای مناسب به مشکلات خود بنگرید. خوبی‌ها را از خدا و بدی‌ها را از شیطان بدانید. تمام مذاهب به پیروان خود وعده‌ی آینده‌ای می‌دهند که در آن خبری از مصیبت و رنج نیست. شما می‌توانید با گفتن قصه‌های مذهبی یا نشان دادن آیات قرآن، چشم‌اندازی از وعده‌ی الهی را به روی فرزندتان باز کنید.

برای تشویق فرزندتان به برخورد خوش‌بینانه با مصایب، کارهای زیر را انجام دهید:

- او را در امور خیریه و کمک به هموعان مشارکت دهید.
- کلماتی قصار و کلماتی آموزنده در اتاق او نصب کنید.
- شعارهایی امیدبخش برای خانواده‌تان برگزینید و با روش‌های گوناگون آنها را در زندگی خود به نمایش بگذارید.
- بکوشید به کلمات قصار و شعارهای مورد نظر خود عمل کنید و الگویی عینی به فرزندتان ارائه دهید.
- در برخورد با مشکلات بی‌تابی نکنید، زیرا شیوه‌ی برخورد شما الگویی آموزنده برای فرزند شماست.
- بکوشید ایمان خود را در برخورد با مصایب از دست ندهید.

۷. خدا شبیه چیست؟

مردم معمولاً تمایل دارند خدا را شبیه خودشان تصور کنند. هر تصویری که از خدا داشته باشید، باید به فرزندتان نشان دهید که تمام کودکان جهان، اعضای خانواده‌ی خدا و آفریده‌های او هستند. براساس چنین تصویری، راه‌های زیر امکان‌پذیر خواهند بود:

- داستان و نکاتی برای فرزندتان بگویید که نشان می‌دهند خدا فراتر از جنسیت و نژاد است.
 - خداوند را با کلمات عام و جهان‌شمول توصیف کنید، مانند «همه‌ی کودکان خدا را دوست دارند»، «ما بندگان خدا هستیم» و «او حافظ بندگان خویش است». تلاش نمایید وقتی آیات الهی یا داستان‌های مذهبی را برای بچه‌ها بیان می‌کنید، ترجمه‌هایی به کار ببرید که زبانی جامع و لحنی جهان‌شمول داشته باشد و با استفاده‌ی نادرست از کلمات، تصویری محدود را در ذهن کودکان به وجود نیاورید.
 - تصویر ذهنی جهان‌شمولی از خداوند ارائه دهید.
- به این پاسخ توجه کنید:

خدای بزرگی که همه‌ی جهان را آفریده است، شبیه هیچ چیز و هیچ کسی نیست. اگر بگوییم خدا شبیه خورشید، کوه و هر چیز دیگری است، او را کوچک کرده‌ایم. خدا از همه اینها بزرگ‌تر و قوی‌تر است: «مثل و ماندنی برای او نیست»^۱. بنابراین، زن یا مرد بودن هم برای او معنا ندارد. خدا برتر از انسان است و نمی‌شود گفت که او زن است یا مرد. خدا بی‌همتا است.

^۱. شوری: ۱۱.

جمع‌بندی

مطالبی که خواندید، نشان می‌دهد که پاسخ گفتن به پرسش‌های کودکان درباره‌ی خداوند، در عین سادگی، پیچیده و نیازمند مهارت‌های ویژه است. والدین در صورتی که از فضای روان‌شناختی کودکان خود آگاهی بیشتری داشته باشند، می‌توانند اطلاعات خود را در قالبی مناسب به کودکان منتقل کنند. پاسخ‌های بیان شده نمونه است و به هیچ وجه نمی‌تواند از خلاقیت و هنر والدین در ارائه مطلب جلوگیری کند.

منابع:

استاپرد، میریام، پرسش‌های کودکان و پاسخ آنها، ترجمه‌ی سوری، فرهاد، تهران، دانش ایران، چ ۵، ۱۳۸۵ش.
حیدری ابهری، غلامرضا، خداشناسی قرآنی کودکان، قم، جمال، چ ۲، ۱۳۸۶ش.
یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره‌ی خدا، مترجم: دکتر حاجی‌زاده، مسعود، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه‌ی انتشارات صابرین، چ ۳، ۱۳۸۱ش.